



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی فقه و حقوق

عنوان:

اصول دادرسی عادلانه در محکمه از منظر فقه و حقوق

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضا دانشور ثانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبد الرضا اصغری

نگارش:

علی خرمیان

تابستان ۹۹

## تقدیریه

تشکر و قدردانی کمترین کاری است که از جانب ل زحمات و الطاف اساتید و کسانی که بنده را در به سرانجام رساندن این تحقیق یاری نمودند می توان انجام داد. بی شک این عنایات بی اجر و مزد الهی نخواهد ماند. به نوبه خودم از اساتید محترم، جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر دانشور ثانی و حجت الاسلام و المسلمین دکتر اصغری که زحمت راهنمایی و مشاوره در این نوشتار را به عهده گرفته بودند کمال تشکر و قدردانی را دارم. و در پایان قدردان همراهی صبورانه همسر در این مسیر هستم.

۱۳۹۹/۱۰/۱۳ مصادف با اولین سال روز شهادت حاج قاسم سلیمانی رحمه الله علیه

**اجرکم عند الله.**

## تقدیم به:

ساحت مقدس مولانا صاحب الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف.

و

ولی نعمت خویش آقا علی ابن موسی الرضا علیهما السلام.

امیدوارم که مولای هر دو عالم این وجیزه را به احسن وجه قبول و مورد عنایت خاص خویش قرار دهند.

و با دعای خیر، راهنمای تاریکی های زمان حاضرم باشند.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد»

«اللهم عجل لولیک الفرج»

## چکیده

اصول دادرسی عادلانه که در پرتو عدالت خواهی جوامع بشری در بستر تاریخ ایجاد شده است، باعث ارتقاء نظام های قضایی در راستای اجرای عدالت و ایحاد نظم و امنیت شده است. بدون تردید رعایت این اصول که از برخی از آنها به عنوان حق برای طرفین دعوا تعبیر شده است زمینه حفظ حقوق آحاد ملت و موجب اجرای عدالت خواهد شد. این اصول که عبارتند از: اصل برائت، اصل عدم شکنجه، اصل تساوی سلاح ها و حق برخورداری از وکیل، حق سکوت در بازجویی ها و حق اعتراض به تصمیمات و آراء مقامات قضایی و... امروزه این اصول در حد گسترده مورد قبول حقوقدانان و قانونگذاران بوده و اساس قوانین شکلی کشورها را تشکیل می دهد. این اصول هم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی و نیز در مرحله اجرای احکام مورد توجه قرار گیرد. در این نوشته سعی شده است با روش توصیفی\_تحلیلی، اصولی که در مرحله دادرسی باید مورد توجه مقامات قضایی قرار گیرد بررسی شود. مذاقه در آموزه های جزایی اسلام و مبانی آن و نیز عنایت به قوانین داخلی ایران و همچنین مقرارت بین المللی، ساختار این تحقیق را تشکیل می دهد.

## واژگان کلیدی:

اصل برائت، اصل تساوی سلاح ها، اصل استقلال و بی طرفی، اصل علنی بودن دادرسی.

## فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	۱- طرح مساله
.....	۲- سوالات طرح
.....	۳- طرح فرضیه
.....	۴- ضرورت
.....	۵- چه کاربردهایی از این تحقیق متصور است؟
.....	۶- استفاده کنندگان از این تحقیق
.....	۷- جنبه جدید بودن و نوآوری داشتن
.....	۸- ساختار کلی تحقیق
.....	۹- هدف از انجام تحقیق

## بخش اول: مفاهیم و تاریخچه دادرسی عادلانه

.....	فصل اول: مفهوم شناسی
.....	گفتار اول: مفهوم شناسی دادرسی
.....	مبحث اول: مفهوم دادرسی در لغت
.....	مبحث دوم: مفهوم دادرسی در اصطلاح
.....	الف: دادرسی از منظر علمای امامیه
.....	ب: دادرسی از منظر علمای اهل تسنن
.....	ج: دادرسی در اصطلاح حقوق
.....	گفتار دوم: مفهوم دادرسی عادلانه
.....	مبحث اول: دادرسی عادلانه از منظر کتاب و سنت
.....	مبحث دوم: دادرسی عادلانه از منظر قوانین داخلی و بین المللی
.....	الف: تعریف واژه قانون
.....	ب: قانون اساسی
.....	ج: قانون آئین دادرسی کیفری
.....	د: قوانین بین الملل
.....	فصل دوم: تاریخچه دادرسی عادلانه
.....	گفتار اول: تاریخ قبل از اسلام
.....	گفتار دوم: تاریخ بعد از اسلام

## بخش دوم: اصول دادرسی عادلانه ناظر بر حقوق متهم و شاکی

فصل اول: اصل برائت .....

گفتار اول : کلیات .....

مبحث اول: مفهوم اصل برائت .....

الف: برائت در لغت .....

ب: برائت در اصطلاح .....

مبحث دوم: ضرورت اصل برائت .....

مبحث سوم: تاریخچه اصل برائت .....

مبحث چهارم: جایگاه اصل برائت در سیستم قضائی .....

گفتار دوم: برائت از منظر حقوق موضوعه .....

مبحث اول: برائت در اسناد و قوانین بین المللی .....

الف: اعلامیه جهانی حقوق بشر .....

ب: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی .....

ج: اعلامیه اسلامی حقوق بشر .....

مبحث دوم: برائت در قوانین جمهوری اسلامی ایران .....

الف: قانون اساسی .....

ب: قانون آئین دادرسی کیفری .....

گفتار سوم: مبانی اصل برائت در اسلام .....

مبحث اول: برائت در قرآن .....

الف: «لا یكلف الله نفسا الا ما آتاها» .....

ب: «لا یكلف الله نفسا الا وسعها» .....

ج: «ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا» .....

مبحث دوم: برائت در سنت .....

الف: حدیث رفع .....

ب: حدیث حجب .....

ج: حدیث اطلاق .....

مبحث سوم: برائت از منظر علمای امامیه .....

مبحث چهارم: برائت از منظر عقل .....

فصل دوم: اصل تساوی سلاح ها .....

گفتار اول: کلیات .....

مبحث اول: تساوی سلاح ها در لغت .....

مبحث دوم: تساوی سلاح ها در اصطلاح .....

- گفتار دوم: تساوی سلاح‌ها از منظر حقوق .....
- مبحث اول: تساوی سلاح‌ها در اسناد و قوانین بین‌المللی .....
- الف: اعلامیه جهانی حقوق بشر .....
- ب: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی .....
- مبحث دوم: تساوی سلاح‌ها در قوانین جمهوری اسلامی ایران .....
- الف: قانون اساسی .....
- ب: قانون آئین دادرسی کیفری .....
- ۱: حق اخذ و کیل .....
- ۲: حق اطلاع و دسترسی متهم بر اطلاعات پرونده و نیز حق اطلاع از موضوع اتهام .....
- ۳: حق استماع، جرح و تعدیل شهود .....
- ۴: حق برخورداری از تسهیلات، مهلت کافی برای تهیه دفاعیه و دسترسی برابر .....
- گفتار سوم: مبانی تساوی سلاح‌ها از منظر اسلام .....
- مبحث اول: تساوی سلاح در قرآن .....
- الف: تساوی سلاح در داوری حضرت داوود(ع) .....
- ب: تساوی سلاح در دفاع از اتهام قذف .....
- ج: تساوی سلاح در وکالت رسول الله (ص) .....
- مبحث دوم: تساوی سلاح در سنت .....
- مبحث سوم: تساوی سلاح از منظر علمای امامیه .....
- مبحث چهارم: تساوی سلاح از منظر عقل .....

### بخش سوم: اصول دادرسی عادلانه ناظر بر دادگاه و دادسرا (قاضی و سیستم قضایی)

- فصل اول: استقلال و بی‌طرفی .....
- گفتار اول: کلیات .....
- مبحث اول: بی‌طرفی و استقلال در لغت .....
- الف: بی‌طرفی در لغت .....
- ب: استقلال در لغت .....
- مبحث دوم: استقلال و بی‌طرفی در اصطلاح .....
- مبحث سوم: تفاوت بی‌طرفی و استقلال قضائی .....
- گفتار دوم: استقلال و بی‌طرفی از منظر حقوق .....
- مبحث اول: استقلال و بی‌طرفی در اسناد و قوانین بین‌المللی .....
- الف: اسناد جهانی و منطقه‌ای .....
- ب: کنوانسیون حقوق کودک .....
- مبحث دوم: استقلال و بی‌طرفی در قوانین جمهوری اسلامی ایران .....

الف: قانون اساسی .....

ب: قانون آئین دادرسی کیفری .....

گفتار سوم: مبانی بی طرفی و استقلال قاضی از منظر اسلام .....

مبحث اول: استقلال و بی طرفی در قرآن .....

الف: بی طرفی در قرآن .....

ب: استقلال در قرآن .....

مبحث دوم: استقلال و بی طرفی در سنت .....

الف: بی طرفی .....

ب: استقلال .....

۱: استقلال و بی طرفی قاضی شریح .....

۲: استقلال و بی طرفی قاضی هارون الرشید .....

۳: استقلال و بی طرفی قاضی بغداد .....

مبحث سوم: استقلال و بی طرفی از منظر علمای امامیه .....

الف: بی طرفی قاضی .....

ب: استقلال قاضی .....

مبحث چهارم: استقلال و بی طرفی از منظر عقل .....

فصل دوم: رسیدگی علنی .....

گفتار اول: کلیات .....

مبحث اول: تعریف کلمه «علن» .....

الف: علن در لغت .....

ب: دادرسی علنی در اصطلاح .....

مبحث دوم: جایگاه دادرسی علنی در روند رسیدگی .....

گفتار دوم: دادرسی علنی از منظر حقوق .....

مبحث اول: دادرسی علنی در قوانین بین المللی .....

الف: قوانین و مقررات منطقه‌ای .....

ب: قوانین بین المللی فرمانطقه‌ای .....

مبحث دوم: علنی بودن دادرسی در قوانین جمهوری اسلامی ایران .....

الف: قانون اساسی .....

ب: قانون آئین دادرسی کیفری .....

گفتار سوم: مبانی علنی بودن دادرسی از منظر اسلام .....

مبحث اول: دادرسی علنی در قرآن .....

الف: دلیل های قرآنی .....

۱: ممنوعیت هلاکت و رابطه آن با دادرسی علنی .....



- ۲: توجه به مصالح جامعه اسلامی در رعایت دادرسی علنی .....
- ب: مویدهای قرآنی و روایی در جهت لزوم دادرسی علنی .....
- ۱: حضور مومنین در صحنه مجازات .....
- ۲: الگوی الهی در نحوه دادرسی .....
- ۳: دوری از مظان اتهام در رعایت دادرسی علنی .....
- ۴: حضور شاهدان و رابطه آن با دادرسی علنی .....
- مبحث دوم: دادرسی علنی در سنت .....
- الف: سیره عملی امام علی (ع) در نحوه دادرسی .....
- ب: تذکر امام علی (ع) به شریح قاضی به جهت عدم رعایت دادرسی علنی .....
- ج: نامه ۵۳ نهج البلاغه و رعایت لوازم دادرسی عادلانه .....
- مبحث سوم: دادرسی علنی از منظر علمای امامیه .....
- مبحث چهارم: دادرسی علنی از منظر عقل .....
- گفتار چهارم: اهداف دادرسی علنی .....
- نتیجه گیری** .....
- پیشنهادات:** .....
- فهرست منابع و مآخذ** .....

## مقدمه

عدالت خواسته حقیقی بشریت است. بدین سان تشکیل و برقرار نمودن قوه قضائیه برای تحقق بخشیدن به آرمان- های بشری لازم و بدیهی گشت. اما از مقدمات نیل به عدالت در دستگاه قضایی، نیازمندی اش به آئین و اصول دادرسی عادلانه است. لکن سوال اساسی این است که آیا چنین اصولی وجود دارند یا خیر؟ مساله نام برده از جمله مواردی است که قوانین حقوق بشری برای رسیدن به آن وضع و به جهت حفظ آن تاکیدات لازم را مقرر نموده است. تحقیق حاضر علاوه بر این که به وجود اصول دادرسی عادلانه تاکید کرده است نیز به اصول دادرسی عادلانه در مرحله رسیدگی از منظر فقه و حقوق توجه نموده و چهار اصل را مورد بررسی قرار داده است. که در نهایت مشروعیت و قانونی بودن آن اصول را نتیجه گیری می کند. به عنوان مثال: حقوقدانان و اندیشمندان حقوق بشری و نیز علمای اسلامی اصل براءت را از اصول دادرسی عادلانه می دانند بدین معنا که شخص تا قبل از اثبات جرم توسط بازپرس یا نهاد مربوطه بی گناه فرض شده و بر طرف مقابل لازم است که ادله لازم را جهت بزهکار بودن شخص ارائه کند. بنابراین با این اصل اشخاص آرامش نسبی خود را در جامعه به دست آورده و از پرتو این اصل مصونیت نسبی برای شهروندان تضمین می گردد. بدین معنا که اتهام بی رویه کنترل و نیز آسوده خاطر بودن از مجرم شناخته شدن بی دلیل را در پی دارد.

دادرسی عادلانه به دو بخش مبانی و اصول تقسیم گشته که قسمت دوم به سه قسمت قابل تقسیم است. الف: اصولی که ناظر به مرحله مقدماتی دادرسی است که از آن به مرحله تعقیب یاد می شود. ب: اصولی که در مرحله بعد از تعقیب لحاظ گشته و در حقیقت در محکمه مورد نظر است که از آن به مرحله دادرسی یاد می شود. ج: اصولی که به مرحله مجازات و بعد از تعقیب و دادرسی توجه دارد.

نوشته حاضر بر اساس آنچه بیان گردید به اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی بر اساس فقه و حقوق موضوعه در سه قسمت که قسمت اول را کلیات مباحث ایفای مطلب می کند و قسمت دوم و سوم در دو بخش (اصول ناظر بر متهم و شاکی و اصول ناظر به قاضی و سیستم قضائی) و هر بخش در دو فصل، که بدنه اصلی موضوع مزبور است به اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی و آنچه بیشتر جنبه مرحله دادرسی دارد می پردازد. در مجموع به چهار اصل که عبارتند از: اصل براءت، اصل تساوی سلاح، اصل استقلال و اصل علنی بودن دادرسی مورد

بررسی قرار گرفته است. در ابتدا با نگاه حقوقی به مساله نظر شده است و سپس ادله اربعه که مبنای فقه هستند مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، اصل منع شکنجه که به مرحله مقدماتی اشاره دارد از محل بحث خارج است و نیز موضوع حق سکوت که از لوازم اصل برائت است و نیز حق تفهیم اتهام که از لوازم اصل تساوی سلاح‌هاست در قالب حق مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بنابراین در این تحقیق فقط چهار اصل مهم و اساسی که در مرحله دادرسی مورد اهمیت است توجه خواهد شد که عبارتند از: اصل برائت، اصل استقلال و بی طرفی، اصل تساوی سلاح‌ها و اصل علنی بودن دادرسی.

آنچه در این نوشتار آمده است علاوه بر ترتیب و تجمیع ادله، ابتکار دلیل را به همراه داشته است. و از آنجایی که غالباً نویسندگان اشارتی اندک به ادله اربعه داشته‌اند و به ندرت به مبانی فقهی توجه نموده‌اند و هم چنین توجهی چندان به روند رسیدگی قضائی در اسلام ننموده‌اند؛ و یا فقط با نگاه حقوقی به مساله نظر کرده‌اند و اگر از فقه و مبانی فقهی سخنی داشته‌اند فقط در یک یا دو مورد توجه کرده‌اند. به عنوان مثال، اصغری در *بایسته‌های دادرسی منصفانه حقوق کیفری در فقه و حقوق*، به لحاظ فقهی و حقوقی مفصل بحث نموده‌اند اما به اصول مرحله دادرسی اشارتی داشته‌اند بر خلاف اصل برائت که مبسوط از آن سخن گفته‌اند و بیشتر به مبانی اصول دادرسی عادلانه توجه کرده‌اند. و باباخانی در *بررسی فقهی حقوقی اصل تساوی اصحاب دعوا در آئین دادرسی کیفری با نگاه به اسناد بین‌المللی*، فقط به اصل تساوی توجه نموده و از دیگر اصول در مرحله دادرسی صحبتی نکرده‌اند گرچه در خلال مباحث عنایتی به مناسبت داشته‌اند. و نیز فقهای عظام اصلاً توجهی به مباحث مطرح شده نداشته‌اند و نگارنده از طریق قواعد، سیاق مطالب و نیز از باب تنقیح مناط و قیاس اولویت و نیز حجت لوازم کلام کشف مطلب نموده. بنابراین نگارنده سعی بر این داشته است که این خلاء را در حد توان در مرحله دادرسی در چهار اصل مورد بررسی و تفقه قرار دهد. و علاوه بر مطالب مذکور با هدف تبیین نظام قضائی اسلام به اصول دادرسی عادلانه پرداخته شده است. گرچه برخی از آنچه گفته می‌شود در عالم خارج از متن در حال انجام است و لباس تحقق به خود پوشیده است اما به لحظ علمی لازم و ضروری است که این مسائل و دیگر مسائل مرتبط مورد دقت‌های علمی قرار بگیرد. بدین جهت نویسنده به اندازه بضاعت خود تلاش نموده است؛ دلیل‌ها و مستندات محکم و نیز مویداتی را از آیات و روایات و همچنین از فتاوی علمای برای مسائلی که مطرح می‌شود ذکر نموده تا در این راه مانند علمای سلف، قدمی برداشته باشد

## ۱- طرح مساله

از جمله دغدغه‌ها و گمشده‌های بشریت رسیدن به عدالت قضایی است. اما قبل از این مساله لازم است به لحاظ تئوری به نتیجه‌ای رسیده باشد تا بتواند در مرحله اجرا برای عدالت تلاش کند. از دیر باز تمامی مردم جهان در هنگام مشکلات جنایی یا حقوقی به شخصی یا نهادی رجوع می‌کردند تا حق خود را استیفا نمایند. در عصر حاضر پناه‌گاه مردم جهان در امور مذکور دستگاه قضایی است. اما سوال اساسی این است که آیا واقعا در سیستم رسیدگی به حقوق مردم، عدالت رعایت می‌گردد یا خیر؟ لوازم اجرای عدالت و تحقق آن در خارج چیست؟ قبل از رسیدن به مرحله اجرای عدالت سخن از دادرسی عادلانه است؟ آیا مراحل دادرسی عادلانه در حال حاضر رعایت می‌گردد؟ پیش از پاسخ به این سوال به سوال دیگری باید پاسخ داد که آیا دادرسی عادلانه اصولی دارد؟ اصول دادرسی عادلانه چیست؟ آیا سازمان بین‌الملل در این خصوص سخنی گفته است؟ آیا نظام اسلامی می‌تواند عدالت را تحقق بخشد؟ آیا نظام دادرسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دادرسی عادلانه نظام اسلامی چیده شده است؟ اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی چیست؟ این سوالات باعث شده است که عده‌ای از محقق به برخی از آنان پاسخ بدهند و عده‌ای دیگر راه حلی برای رسیدن به عدالت که در حال حاضر بعد از هزاران سال گمشده بشر در موقعیت‌های مختلف است دست یازند. نوشتار حاضر در مساله تئوری اسلام در عوامل رسیدن به دادرسی عادلانه تلاش نموده است چند مورد را مورد بررسی قرار دهد. به عبارتی نگارنده همانطور که در مقدمه بیان گردید سعی نموده است که اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی را مورد بررسی قرار دهد و به سوالاتی که مطرح گردید و نیز به این سوال که اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تساوی سلاح‌ها و نیز اصل استقلال قضایی چه نقشی در ایفای عدالت و تحقق آن در خارج ایجاد می‌کنند؟ آیا تمام این چهار اصل پاسخگو رسیدن به عدالت است یا خیر؟ آیا اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی نیز قابل فرض است؟ نوشته حاضر به این سوالات پاسخ خواهد داد.

## ۲-سوالات طرح

الف: اصلی

- اصول دادرسی عادلانه محکمه از منظر فقه و حقوق چیست؟

ب: فرعی

- الف: اصول دادرسی عادلانه محکمه در حقوق بین الملل چیست؟

- ب: اصول دادرسی عادلانه محکمه در حقوق ایران چیست؟

- ج: اصول دادرسی عادلانه محکمه از منظر آیات و روایات چیست؟

- د: اصول دادرسی عادلانه محکمه از منظر علمای امامیه چیست؟

## ۳-طرح فرضیه

با تتبع در ادله اربعه و استدلالهایی که علمای اسلام در کتب خود بیان نموده‌اند به خوبی می‌توان اصول دادرسی عادلانه در محکمه از جمله: اصل برائت، اصل علنی بودن، اصل تساوی سلاح‌ها، اصل استقلال قاضی و دادگاه را بیان نمود که مطابق اسناد حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی که در خصوص حقوق و آزادی‌های مردم وضع شده است می‌باشد.

نگارنده بر این اعتقاد است که:

الف: اصول دادرسی عادلانه در محکمه یا در مرحله دادرسی شامل: اصل تساوی سلاح‌ها، اصل علنی بودن، اصل استقلال و بی‌طرفی و اصل برائت می‌شود.

ب: اصول نام برده شده در سطر پیشین نیز از اصولی است که در مرحله دادرسی به عنوان اصول دادرسی عادلانه در حقوق بین‌الملل، حقوق داخلی، قرآن و روایات و نیز علمای شیعه مطرح گردیده است. لذا پاسخ به هر چهار سوال یکسان خواهد بود.

#### ۴- ضرورت

دادرسی عادلانه از بدیهیات یک جامعه متمدن است. اما به جهت روشن شدن مساله ضرورت، و اهمیت موضوع مذکور، اینگونه می توان بیان نمود که امنیت روانی و جانی یک جامعه مترقی و متمدن، وابسته به وجود قواعد و قوانین عادلانه که منطبق بر عقل و فطرت آدمی است و نیز وضع و قرار دادن مکانی کاملاً مستقل و بی طرف جهت بررسی دادرسی عادلانه در محاکم کیفری و مدنی است. تمام تلاش قوه قضائیه در هر کشوری ایجاد آرامش و امنیت روانی در یک کشور است. این آرامش در صورتی احساس می شود که دادرسی عادلانه مانند: اصل برائت، اصل عدم شکنجه، استقلال قاضی، حق وکیل داشتن، حق سکوت، حق شکایت مدنی یا جزائی در آن کشور و جامعه مانند سایه ای پر مهر و محبت بر سر آدمیان گسترانیده شده باشد. و در پایان چنین می توان گفت: اجرای عدالت، رعایت کرامت انسانی و جلوگیری از هر گونه تصمیم گیری غیر واقعی و یا ظالمانه متوقف بر وجود دادرسی عادلانه است.

#### ۵- چه کاردهایی از این تحقیق متصور است؟

- الف: اگر نقصی در قانون اعم از کیفری یا مدنی و نیز آئین دادرسی کشور وجود داشته باشد باید در مرحله نقد و بررسی قرار گیرد.
- ب: با استخراج این اصول و به کار بستن آنها می توانیم امنیت روانی جامعه را تضمین کنیم.
- ج: به مردم جامعه این اعتماد را تزریق می کنیم که می توانند برای رفع مشکلات قضایی به دادگاه های مربوطه رجوع نمایند.
- د: آشنایی با آراء و تفکر اسلامی و نیز نحوه استفاده از ادله اربعه را به دانشجویان می آموزیم.

#### ۶- استفاده کنندگان از این تحقیق

با توجه به آنچه که در خصوص ضرورت عنوان مذکور در جامعه بیان گردید؛ به وضوح روشن است که گروه موسسات آموزشی، دستگاه قضایی کشور و مقنن استفاده مستقیم از این تحقیق خواهند برد. و محققین اصول

دادرسی عادلانه در فقه و حقوق و نیز ادله اربعه در مباحثی که مطرح گشته است به این پایان نامه رجوع کرده و از تحقیقات انجام گرفته استفاده نمایند.

## ۷- جنبه جدید بودن و نوآوری داشتن

دامنه جستجوی نگارنده اعم از کتابخانه‌های دیجیتال و غیر آن، پایان نامه‌ها و مقالات و مجلات بوده است؛ که در نهایت، عنوانی با این نام که به طور کامل اصول دادرسی عادلانه در ادله اربعه همگام با حقوق موضوعه، حداقل در خصوص مرحله دادرسی را بررسی کرده باشند مورد توجه نویسندگان نبوده است. البته لازم به ذکر است که در مورد برخی از اصول به صورت مجزا مباحثی مطرح گشته است. اما یا به جنبه فقهی آن اهمیتی نداده‌اند یا فقط به لحاظ حقوق بین‌الملل بررسی شده است و نقش حقوق داخلی آن کم رنگ است. برخی دیگر از محققین در خلال مباحث خود گذرا به این اصول در مرحله دادرسی به صورت موردی دقتی داشته‌اند. عمدتاً به صورت متمرکز ادله اربعه را مورد نقد و بررسی قرار نداده‌اند و غالباً به ادله حقوقی پرداخته شده است. در حقیقت می‌توان گفت امتیاز این نوشته:

✓ الف: تمرکز بر موضوع محل بحث بدون هیچ حاشیه‌ای که مفید نباشد.

✓ ب: بررسی ادله اربعه در عرض حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی.

✓ ج: ارائه مستندات جدید که تا به امروز بدانان استاد نشده است خصوصاً بیان ادله عقلی و بیان برخی ادله قرآنی و روایی برای اولین بار.

✓ د: تبیین برتری نظام حقوقی اسلام بر دیگر نظامات در چهار فصل.

## ۸- ساختار کلی تحقیق

نوشتار حاضر بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بوده و نحوه جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

## ۹-هدف از انجام تحقیق

- استخراج و استنباط اصول دادرسی عادلانه در مرحله دادرسی کیفری.
- بیان مشکلات در دادرسی کیفری و طرح پیشنهادات.
- اثبات عادلانه بودن اصول دادرسی در نظام اسلامی تمدنی.



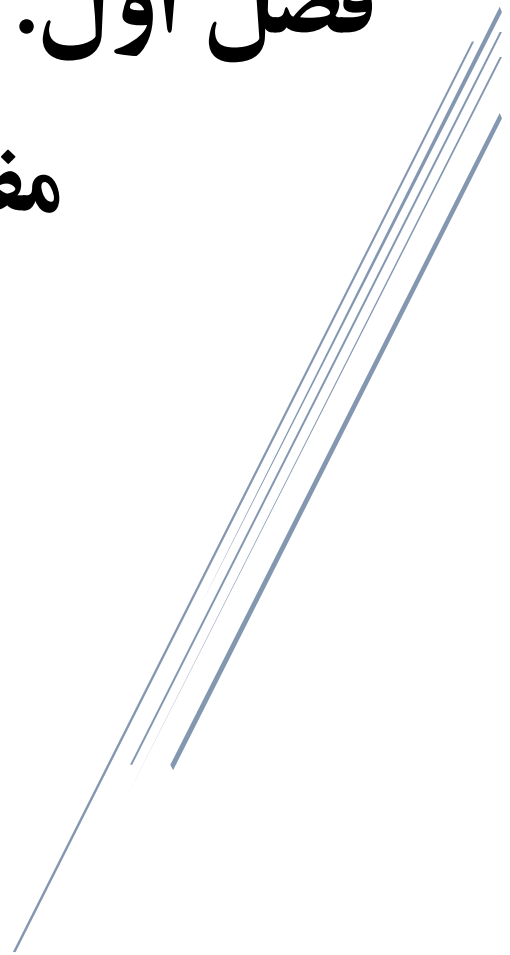
**بخش اول:**

**مفاهیم و تاریخچه**

**دادرسی عادلانه**

# فصل اول:

## مفهوم شناسی



## گفتار اول: مفهوم شناسی دادرسی

مانند هر تحقیقی که در حال انجام است به ص لازم است که ابتدا مبادی تصویری موضوع بحث، مختصر توضیحی داده شود و سپس به مبادی تصدیقی توجه گردد. بنابراین در ادامه به مفاهیم و اصطلاحات واژه‌های پر کاربرد این تحقیق پرداخته شده است.

## مبحث اول: مفهوم دادرسی در لغت

قبل از بیان مباحث اصلی نوشتار ابتدا لازم است به لحاظ مبادی، برخی از واژگان از منظر لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرند. از این منظر که دادرسی مترادف با قضاء اصطلاحی می‌باشد و نیز در آیات و روایات از این کلمه برای مساله دادرسی و داوری استفاده شده است؛ واژه قضاء تجزیه و تحلیل می‌شود. اصل کلمه «قضاء» قضای بوده است که «یاء» به دلیل قواعد اعلال تبدیل به همزه شده است.<sup>۱</sup> در لغت، مفرد اقصیه است.

در تعریف کلمه قضاء، صاحب ابن عباد در المحيط<sup>۲</sup>، واسطی در تاج العروس<sup>۳</sup>، ابن منظور در لسان العرب<sup>۴</sup> و فراهیدی در العین<sup>۵</sup>، آن را حتمیت، پایان کار، انقطاع، انفصال و حکم کردن معنا نموده‌اند. در خصوص هر کدام

---

۱. ابن مکرّم، محمد؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۶.

۲. صاحب ابن عباد، اسماعیل؛ المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۴۶۲.

۳. زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۲۴۶۳.

۴. ابن مکرّم، محمد؛ لسان العرب، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۵. فراهیدی، خلیل ابن احمد؛ العین، ج ۵، ص ۱۸۵.

در قرآن شواهدی دارند که این نوشتار محل بحث و بررسی آنها نیست. به عنوان مثال می‌توان به آیه ۶۵ سوره نساء<sup>۶</sup>، آیه ۶۸ و ۴۱ سوره یوسف<sup>۷</sup>، آیه ۱۴ سوره سبأ<sup>۸</sup> و آیه ۲۹ سوره قصص<sup>۹</sup> اشاره نمود. صاحب جواهر در کتاب القضا می‌نویسد: برخی گفته‌اند قضاء را به این دلیل که قاضی به مساله اختلاف شده، پایان و به آن فیصله می‌دهد قضاء نامیده‌اند. به نظر می‌رسد این تعریف برگشتش به همان معانی لغوی است.<sup>۱۰</sup> واژه قضاء به معانی مختلفی در قرآن مورد استفاده واقع شده است: سفارش کردن، انجام دادن، داوری نمودن و دیگر موارد که به بعضی از آنان در پی‌نویس گردیده است. برخی از بزرگان و علمای امامیه در توضیح مفهوم قضاء گفته‌اند: قدرتی که شارع به کسانی که اهلیت افتاء دارند داده است. و این قدرت باید صرف اثبات حقوق افرادی باشد که حقتشان باید ثابت گردد. در بین حقوقدانان اسلامی، معروف‌ترین معنای قضاء را «دادرسی» می‌دانند.<sup>۱۱</sup>

کلمه قضاوت (دادرسی)، از منظر لغت دانان فارسی مخفی نمانده است که ذیلا نظر برخی از آنان بیان می‌گردد:

- الف: در فرهنگ نامه عمید، قضاوت را چنین معنا نموده است: قضاوت اسم مصدر بوده که از کلمه قضاء

برگرفته است و عبارت می‌باشد از داوری در مورد دعوا و نیر حکم کردن بین دو یا چند نفر.<sup>۱۲</sup>

- ب: فرهنگ نامه معین: عبارت است از حکم کردن و داوری.<sup>۱۳</sup>

- ج: لغت نامه دهخدا: عبارت است از فرمان دادن و حکم نمودن.<sup>۱۴</sup>

۶. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» نساء، ۶۵.

۷. «وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلَّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ» يوسف، ۴۱.

۸. «فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ» سبأ، ۱۴.

۹. «فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا» قصص، ۲۹.

۱۰. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۰، ص ۸.

۱۱. یزدی، سید محمد کاظم؛ العوره الوقتی، ج ۳، ص ۱۰۶.

۱۲. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۵۸۱.

۱۳. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، ج ۲، ص ۱۴۹۳.

۱۴. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۶۵.

دادرسی از دو کلمه «داد» و «رسی» تشکیل یافته است. داد در زبان پارسی به معنای: عدل، قسط، انصاف و فغان آمده است.<sup>۱۵</sup> و «رسی» به معنای رسیدن است.<sup>۱۶</sup> بنابراین دادرسی، به داد کسی رسیدن معنا می شود. با توجه به تعریفی که صورت گرفته شد؛ مفهوم حقوقی آن که در ادامه بدان اشارت خواهد رفت دوری از ماهیت لغوی خود ندارد.

---

<sup>۱۵</sup> . دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا ج ۶، ص ۸۸۹۰ و عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۹۰۴.

<sup>۱۶</sup> . همان، ج ۷، ص ۱۰۶۲۳.